

نگاه

جهادگرایی فردی داعش و جامعه مدنی

علی حاجلی

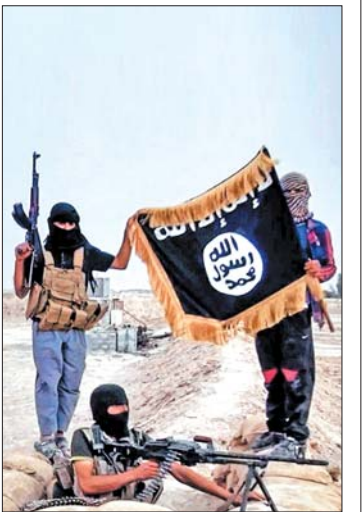
● داعش یک گروه تکفیری جهادگراست که بر فردانیت جهاد تاکید دارد. تنوریسین های این گروه معتقدند جهاد علیه «کفار» امری فردی است، باور به فردانیت جهاد پیامدهای متعددی دارد.
اولا این باور باعث می شود فرد از زمینه اجتماعی گسسته شود. زمینه اجتماعی می تواند کشور، شهر، مذهب یا حتی خانواده باشد. به این ترتیب، فرد به جای آنکه در پیوندهای متعارف قرار گیرد، به اتم تبدیل می شود و مستعد جذب به بنیادگرایی، برای مثال در مقیاسی شدیدتر، یکی از نویسندگان زن دایق، ارگان رسمی داعش، نوشته ها و تاکید ویژه ای بر زنان جهان عرب و سنی داشت که اگر شوهرانشان به دولت اسلامی نبیوسته یا آن را تأیید نکرده اند، آنها از عقد ازدواج خارج اند و شوهرانشان بر آنها حرام هستند؛ بنابراین آنها باید به طور فردی به قلمرو داعش هجرت کنند.

ثانیا به دنبال این باور، فرد حتی نیازی به پیوستن به گروه و سازمان هم ندارد. داعش در پیام های عام زیادی که منتشر می کند، عموما توصیه می کند افراد حتی اگر به طور سازمانی عضو داعش نیستند، در مکانی که زندگی می کنند، رأسا و به اختیار خود قیام کنند و مثلا حتی با یک جاقو به کفار حمله کنند.

ثالثا و مهمتر اینکه اگر مرکزیت سازمان از بین برود و شرایطی به وجود آید که چیزی به نام داعش وجود نداشته باشد، این باور به فردانیت جهاد باعث می شود از خاکستراهای این جنبش، افراد جدیدی در دوره های دیگری و در جای دیگری همچنان ظهور کنند؛ یعنی میرایی جنبش تا حدود زیادی منتفی می شود.

اتفاقی که اخیرا در تهران رخ داد و در آن داعش به دو مکان خاص حمله کرد پیش از هر چیزی، یک پیام سمبولیک دارد. تکفیری ها دیگران را به دلیل بی باوری یا باور مشرکانه به توحید تکفیر می کنند. به عقیده آنها، شیوه های جدید حاکمیت (مثل پارلمان و تصویب قانون در آن) برخلاف سنت اسلامی و البته حرم گرایی شیعیان، دو نماد کفر است؛ بنابراین با حمله به این دو مکان، داعش در واقع مانعشست جهادگرایی تکفیری سلفی را برای جامعه ایرانی عرضه کرد. افرادی که این حملات را انجام دادند، همگی ایرانی بودند. آنها از کشورهای بی کنترل مثل عراق یا سوریه یا از مناطق خاص، مانند چین نیامده بودند. این افراد از داخل ایران و با مکانیسم فردانیت جهاد بود که به این گروه پیوسته بودند. آنها می توانستند هزار دلیل داشته باشند که به جای جهاد در ایران، در مناطق بی کنترل، مانند سوریه جهاد کنند، اما فردانیت جهادی بود که می توانست آنها را راضی به حمله تروریستی به تهران کند.

پادزهر فردگرایی جهادی دقیقا در جایی قرار دارد که جامعه ایرانی حداقل از خرداد ۷۶ دنبال می کند؛ یعنی جامعه مدنی و پیوندهای انجمنی. هر چه جامعه ما به سوی پیوندهای انجمنی برود، مخصوصا در مناطقی از کشور که از نظر اقتصادی و به ویژه مذهبی مستعد سسماتی با جهادگرایی است، زمینه جذب افراد به جهادگرایان از بین می رود. از پیوندهای انجمنی احساسی مثل طرفداری از یک تیم فوتبال، علاقه مندی به فلان هنرمند یا سلبریتی تا پیوندهای میانه مثل عضویت در نهادهای مدنی محلی و تا پیوندهای بالا مثل عضویت در گرایش های سیاسی همگی می تواند در برابر جهادگرایی فردی مؤثر باشد و شهروندانی را که احساس محرومیت نسبی می کنند، در برابر جذابیت های جهادگرایی فردی مصون کند. در مناطقی از جامعه که از فقر و محرومیت رنج می برد، روحانی و اصلاح طلبان توانستند بالاترین آرای شهروندان را جلب کنند. این یک پیام روشن دارد: آنها باوجود محرومیت ها همچنان امیدشان به سرزمین مادری است و در برابر وسوسه های آرمان شهری بنیادگرایانه مقاومت اند. اما فراموش نکنیم این وضعیت نیازمند تقویت و برنامه ریزی اجتماعی بیشتری است. اگر وضعیت مادی کشور در چشم انداز کوتاه مدت قابل تغییر نیست، از پیوندهای اجتماعی برای کاهش احساس محرومیت نسبی استفاده کنیم.



چرایی پیروزی اصلاح طلبان و اعتدال گرایان

پروانه مافی . نماینده دهمین دوره مجلس شورای اسلامی



در سوی دیگر اما تفکری وجود داشت که قائل به توسعه تدریجی و گام به گام در عوض توسعه نمایی های تکنه ای و یک شبه بود. این بار جریانات مخالف اصلاح طلبان، تمام قد و یکپارچه حضور یافته بودند و از تمامی ابزار و امکانات تحت اختیار خویش نیز برای پیروزی ائتلاف مورد نظرشان بهره گرفتند. از استفاده از برخی تریبون های خاص گرفته تا بهره مندی ناعادلانه از برخی رسانه ها که در جایگاه ملی قرار دارند و از بودجه عمومی ارتزاق می کنند و ارانه وعده های چشمگیر. اما آنچه در نهایت عینیت یافت، باز هم پیروزی اعتدال، امید، تدبیر و اصلاحات بود. اما سؤال اساسی این است که این پیروزی چگونه به دست آمد و راه تداوم این قبیل پیروزی ها چیست؟

در باب دلایل رقم خوردن نتایج انتخابات، باید اذعان کرد؛ اولاً واقعیت آن است که این نتیجه بیش از آنکه حاصل توانمندی و شایستگی اصلاح طلبان باشد، ناشی از ناکامی ها و به روز نبودن نحوه مدیریت جریان مقابل بود. دور بودن جریان اصلاحات از عرصه قدرت خود گواهی بر این مدعاست که مردم به واسطه عملکرد اصلاح طلبان به ایشان روی نیاورده اند، بلکه به دلیل یقین حاصل شده از ناکارآمدی جریان مقابل به این سمت سوق یافته اند.

دومین دلیل پیروزی اصلاح طلبان و اعتدال گرایان در انتخابات ریاست جمهوری و شو را ها باید در طراحی مکانیسم نسبتا قابل دفاع و تشکیلاتی برای اخذ تصمیم گیری های مهم و کلیدی در قالب شورای عالی سیاست گذاری اصلاح طلبان دانست. این امر سبب شد تشتت و چندپارگی جریان اصلاحات که در ریشه یابی معضلات این جریان به عنوان اساسی ترین خط و معضل از آن یاد می شود، تا حد زیادی رنگ باخته و از آن کاسته شود. البته این سخن به معنای وارد نبودن نقد به شاکله شورای عالی اصلاح طلبان نیست، اما باید پذیرفت که در ابتدای هر مسیر آشکالاتی بروز می کنند که عمدتا طبیعت کار جمعی بوده و البته نباید از آنها غفلت کرد و اتفاقا اکنون زمان مناسبی است تا برای اصلاح سازوکار شورای عالی اصلاح طلبان در جهت تقویت جایگاه احزاب و تصمیم گیری جمعی و مشورت پذیری بیش ازپیش کام های لازم پرداخته شود.

استقبال مشروط از طرح «دولت در سایه»

گروه سیاسی؛ دولت در سایه همچنان محل نقد

و بررسی کارشناسان و صاحب نظران احزاب قرار دارد. البته جمعی بیرون از دایره احزابی که به قدرت اجرایی رسیده اند ناظر بر عملکرد مدیران باشند، بحثی که بارها و بارها و در پی قریب به اتفاق ناکامان انتخابات ریاست جمهوری مطرح شده است.

اخیرا اما در پی پیروزی قریب به ۲۴میلیونی حسن روحانی در برابر کاندیدای جریان اصولگرا یعنی ابراهیم رئیسی و ۱۶ میلیون رای، بار دیگر ایده تشکیل دولت در سایه از سوی رقیب مطرح شد. پس از انتخابات ۲۹ اردیبهشتی که گذشت، سعید جلیلی مبدع دوباره بحث تشکیل دولت در سایه شد.

او هفته پیش این ایده اش را خبری و در بیانیه ای اعلام کرد: «نگاه دینی، مشارکت و نظارت هم «تکلیف» و «حق مردم» و هم فرصتی بزرگ برای دولت در انجام بهتر مسئولیت هاست. بر همین مبنا معتقدان به گفتمان انقلاب اسلامی وظیفه و حق خود می داند با نگاهی ملی و فراتر از رقابت های انتخاباتی به مثابه «دولت در سایه» در چارچوب قانون و اخلاق، منتخب ملت و دولت او را در جهت رفع کاستی ها، تصحیح ایرادها و حرکت در مسیر خدمت به مردم، تعالی فرهنگ، مبارزه با فساد، ایجاد اشتغال و رونق تولید و افزونی عزت و اقتدار در روابط خارجی یاری نمایند و بیانگر مطالبات مردم باشند».

او در بیانیه اش تاکید کرده بود که وظیفه همه ماست تا عزم خود را برای هم افزایی ملی و انقلابی در دفاع از حقوق و منافع کشور و ارزش های انقلاب اسلامی در جهت خلق حماسه های بزرگ سیاسی و اقتصادی و مقابله با تهدیدات نشان دهیم.

پیشنهاد تشکیل دولت سایه اولین بار از سوی برخی چهره های اصلاح طلب و پس از انتخابات سال ۸۴ مطرح شده بود. همان روزها برخی اصولگرایان مدعی شدند که اصلاح طلبان قصد دارند با تشکیل دولت سایه، براندازی انجام دهند و آنها را متهم به خیانت کردند! همه این مسائل موجب شد این پیشنهاد اصلاح طلبان به دست فراموشی سپرده شود.

حالا اما تر سعید جلیلی برای تشکیل دولت سایه موافقان و مخالفان بسیاری را وادار به اعلام موضع کرد. به نظر کارشناسان اما دولت سایه در علوم سیاسی معنا و مفهوم مشخصی دارد و بیشتر مفهومی است که در دموکراسی های پارلمانی جا افتاده به کار می رود، با این اوصاف به نظر می رسد منظور جلیلی از دولت در سایه این است که اقلیتی که در انتخابات اخیر ناکام شده اند، در فاصله دو انتخابات به عنوان «فعال نظارتی» در

سیاست

چرایی پیروزی اصلاح طلبان و اعتدال گرایان

سومین دلیلی که برای رقم خوردن نتیجه انتخابات به این سبک و سیاقی می توان ارائه کرد، به سرمایه اجتماعی عظیم مردمی در قبال بزرگان جریان اصلاحات و اعتدال، از جمله رئیس دولت اصلاحات، یادگار گران قدر امام (ره) و حسن روحانی، رئیس جمهور معتدل دولت یازدهم بازمی گردد که زمینه سازی برای چنین حرکتی را در انتخابات اخیر فراهم آورد.

اما چهارمین علت را که به نظر این جانب عمده ترین دلیل کسب چنین نتیجه ای بوده است باید در تغییر نگرش ها، افکار و رفتارهای مردم ایران دانست. در انتخابات ۲۹ اردیبهشت، دو طرز تفکر و منش کلان خود را به نمایش گذاشتند. در طرز تفکر اول، عمده تمرکز بر شعارها و مطالبات اقتصادی بود و در قالب آن وعده های چشمگیر از جمله افزایش سه برابری یارانه ها برای اقشار ضعیف جامعه، ایجاد پنج میلیون شغل، واریز ماهانه ۲۵۰ هزار تومان به حساب افراد بی کار بالاتر از ۱۸ سال، ۲۰۵ برابر کردن درآمدهای کشور و... بروز و ظهور یافت و به ندرت سخنی از توسعه فرهنگی و سیاسی مردم و جامعه به میان آورده شد، اما در نقطه مقابل عمده شعارها و برنامه ها حول تحقق و پیگیری آزادی های مصرح در قانون اساسی، تحقق عملی منشور حقوق شهروندی، مقابله با رویکردهای ضحفی و تخریبی و پایداری بر اخلاق مداری به عنوان محور رویکرد فرهنگی قرار گرفت و درعین حال در حوزه اقتصادی نیز وعده هایی منطقی و معقول درخصوص بهبود تدریجی وضعیت اقتصادی ارائه شد و مردم این گفتمان را با اختلاف قابل توجهی برگزیدند.

انتخاب مردم در ۲۹ اردیبهشت ۹۶ پیام های روشنی دارد. جامعه ما به درجه ای از توسعه یافتگی رسیده است که فرب و وعده هایی از جنس افزایش یارانه ها را نمی خورد و در پاسخ به چنین وعده ای در ابتدا از منابع تأمین این یارانه سخن می گوید. جامعه ما به خوبی به این نتیجه رسیده است که بدون برخورداری از رسانه های آزاد، مستقل و منتقد، اساسا توسعه اقتصادی رخ نخواهد داد و بنابراین با یک تصمیم تاریخی دست به چنین انتخابی می زنند. نتیجه انتخابات بر سخن آیت الله هاشمی رفسنجانی، مرد اعتدال و اصلاح ایران زمین که پس از انتخابات دهمین دوره از مجلس شورای اسلامی بیان کرد: «دیگر به خاطر آگاهی مردم، نگران آینده انقلاب نیستم»، صحه گذاشت و فرصتی نو برای جریان اصلاحات و اعتدال برای خدمت دوباره به ایران اسلامی فراهم شد.

نکته پایانی آنکه نباید این واقعیت را از ذهن دور داشت که در شرایط کنونی مهم ترین راه برای پیشبرد اهداف کشور و تحقق اسناد بالادستی، هم افزایی تمامی جریانات تعریف شده در چارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران است و در این میان اصلاح طلبان نیز باید دست یاری و دوستی به اقشار مختلف جامعه و حتی مخالفان و منتقدان خود داده و از نظرات و نقدهای منصفانه آنان بهره گیرند و فراموش نشود که این اعتماد در سایه کار و تلاش و رفع دغدغه های مردم، بررنگ تر خواهد شد و تداوم خواهد یافت.

یکشنبه ۲۱ خرداد ۱۳۹۶

روزنه

جوسازی نادرست علیه نایب رئیس اول مجلس

● **خانه ملت؛** پایگاه اطلاع رسانی مسعود پزشکیان در مطلبی درباره حواشی نسبت داده شده به او در جلسه علنی روز حادثه تروریستی مجلس توضیحاتی را ارائه داد. این توضیحات درباره شایعات و حواشی اخیر درباره صحبت او در روز جلسه علنی چهارشنبه هفته گذشته منتشر شده است که به شرح زیر است:

«آیا واقعا دکتر پزشکیان از شعار مرگ بر آمریکای نمایندگان مجلس نارتحت شده است و گفته است – حمله تروریستی به مجلس- چه ربطی به آمریکا دارد؟! در هیاهوی حملات تروریستی داعش علیه مردم بی گناه و در ماهی که برای خودسازی و تهذیب نفس اختصاص یافته، دلوایسان و محافل شکست خورده در انتخابات، با دروغ پردازی و تهمت و افترا جوسازی جدیدی علیه نایب رئیس اول مجلس آغاز کرده اند. روز چهارشنبه ۱۷ خردادماه، اندکی پیش از آغاز حملات تروریستی داعش، جلسه علنی نمایندگان در صحن مجلس آغاز شده و در غیاب علی لاریجانی، مسعود پزشکیان ریاست آن را برعهده گرفت. در این جلسه قرار بود که گزارش حادثه معدن زمستان یورت گلستان در صحن علنی قرائت شده و مجلس نیز جمع بندی نهایی خود را در این خصوص ارائه کند. بعد از قرائت این گزارش، برخی نمایندگان به بیان نقطه نظرات خود درباره حادثه پرداختند و تا این لحظه از جلسه، به هیچ عنوان بحث حمله داعش به مجلس مطرح نبود و حتی هیچ یک از رسانه های اصولگرا و اصلاح طلب نیز خبری جدی در این خصوص منتشر نکرده بودند. در ادامه اظهارنظر نمایندگان نسبت به گزارش کمیسیون صنایع و معادن از حادثه انفجار معدن یورت، نوبت به حسینعلی حاجی دلیگانی، نماینده شهرستان های شاهین شهر و میمه و برخوار می رسد. براساس فایل صوتی موجود از جلسه، این نماینده مجلس در آغاز سخنان خود بدون اشاره به موضوع حمله تروریستی به مجلس، با بیان اینکه طبق فرموده امام، هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید، با صدای بلند شعار «مرگ بر آمریکا» سر می دهد. به دلیل ایجاد اخلال در قرائت گزارش، مسعود پزشکیان که تا حضور علی لاریجانی، وظیفه ریاست و ایجاد نظم در جلسه را برعهده داشت، رو به نماینده مذکور می گوید: «چی شده حالا؟ کار تو بکن و...».

به وقت آشنایی

۸۴ سال با شما میم



بانک کشاورزی

بانک بهر مردم ایران

۲۱ خرداد

سالروز تاسیس بانک کشاورزی

www.bki.ir

bank_keshavarzi

مرکز ارتباط سبز: ۰۲۱-۸۱۳۰۱

اداره کل روابط عمومی و همکاری های بین الملل